

بررسی تاثیر مشاوره شغلی بر تغییر نگرش و افزایش رفتار کارآفرینانه و اشتغال‌زایی دانشجویان  
*Effectiveness of Career Counseling in Attitude Change and Increasing the Entrepreneurial Characteristics*

**Hamed Bermas**

Islamic Azad University, Karaj branch  
*Dr.bermas@gmail.com*

**Fatemeh Mehrabi**

Islamic Azad University, Karaj branch

**Fatemeh Hoseini Asli**

Islamic Azad University, Karaj branch

**Abstract**

**Aim:** The research purpose is to assess the effectiveness of career counseling in attitude change and increasing the entrepreneurial characteristics. **Method:** The study is a quasi-experimental intervention (pretest, posttest, follow-up) with control group; the instruments used were, *Entrepreneurial Characteristics Questionnaire* and *Career Attitude Questionnaire*; our sample comprised 60 university students drawn from a larger population of students, studying in Islamic Azad University, Karaj branch. The experimental group underwent three four-hour sessions of career counseling program based on Krumboltz's social learning theory and the data were analyzed using t-test. **Results:** Findings revealed that career counseling program based on Krumboltz's social learning theory has been effective in attitude change with regard to career and the increase of the entrepreneurial characteristics.

**Keywords:** Career Counseling, Attitude, Entrepreneurial Characteristics

دکتر حامد برماس<sup>۱</sup>

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

فاطمه مهرابی رزوه

دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

فاطمه حسینی اصلی

کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

**چکیده:**

**هدف:** هدف افزایش رفتار و تغییر نگرش کارآفرینانه بوده است. **روش:** این پژوهش بر روی ۶۰ نفر از دانشجویان این دانشگاه به صورت نیمه آزمایشی در دو گروه گواه و آزمایشی و به شکل پیش آزمون - پس آزمون با دو آزمون نگرش سنج کارآفرینی و آزمون رفتار کارآفرینی انجام شده که به منظور اجرای پژوهش، گروه آزمایش طی ۳ جلسه ۴ ساعته تحت آموزش برنامه های مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی کرومبولتز قرار گرفتند و گروه گواه در لیست انتظار باقی ماندند و سپس هر دو گروه مجدداً مورد آزمون قرار گرفتند. به منظور تحلیل داده ها از روش t مستقل با پیش آزمون - پس آزمون برای دو گروه مستقل (به کمک نرم افزار SPSS) استفاده شد. **نتایج:** مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی کرومبولتز بر تغییر نگرش کارآفرینانه و افزایش رفتار کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه موثر بوده است و تفاوت معناداری بین دو گروه گواه و آزمایش قبل و بعد از آموزش مشاهده گردیده است.

واژگان کلیدی: نگرش کارآفرینی، رفتار

کارآفرینی، یادگیری اجتماعی کرومبولتز

## مقدمه

کارآفرینی از منابع مهم و پایان‌ناپذیر همه جوامع بشری است. منبعی که به توان خلاقیت انسان‌ها برمی‌گردد. از یکسو ارزان و از سوی دیگر بسیار ارزشمند و پایان‌ناپذیر است. امروزه همگان دریافته‌اند که جوامعی که به فکر متکی بوده‌اند تا به منابع زیرزمینی در بلندمدت موفق‌تر و سرافرازتر بوده‌اند. منابع زیرزمینی در کشورهای جهان سوم علیرغم مزیت‌های آن، از جمله موانع توسعه‌یافتگی محسوب شده است، در صورتی که نبود این منابع در بعضی از کشورها باعث شده است تا آن‌ها با استفاده نیروی فکر، خلاقیت و ابتکار و یا در یک کلمه کارآفرینی، از جمله کشورهای پیشرو در جهان کنونی شوند. خصوصاً عصر حاضر، عصر دانایی و خلاقیت و عصر تلفیق اندیشه‌ها و ابتکارات می‌باشد و توجه به کارآفرینی در توسعه و پیشرفت کشورها بسیار اهمیت دارد.

در دهه ۱۹۵۰، غرب شاهد تغییرات عمیق اقتصادی کارآفرینی (مینینی و بایگراو ۲۰۰۴) و دیگران به نقل از ناظم (۱۳۸۹) و شکل‌گیری یک موج علمی با هدف شناخت و پرورش آن بود (مک مولان و گلیلین ۲۰۰۱) و دیگران به نقل از پارسا معین (۱۳۸۹) برای نمونه در ۱۹۷۰ چند دانشگاه در ایالات متحده دوره‌های آموزش کارآفرینی برگزار کردند، اما در اوایل دهه ۱۹۸۰ بیش از ۳۰۰ دانشگاه موضوع کارآفرینی را از منظر آموزش و پژوهش مدنظر قرار دادند. از همان زمان اولین مطالعات و پژوهش‌های بنیادی و هدفدار در مورد کارآفرینی آغاز گردید (پارسا معین، ۱۳۸۹)، امروزه این موج با گذشت نیم قرن از حرکت آن دستاوردهای زیادی را داشته و تحقیقات و نظریه‌های زیادی در این زمینه ارائه شده است.

از جمله نظریه‌های که تمرکز خود را بر عوامل محیطی و یا شخصیتی قرار داده‌اند و هر یک از این متغیرها را به صورت جداگانه و خاص برای عملکرد کارآفرینانه پیش‌بینی کرده‌اند. این رویکردها هیچ کدام در تبیین پیچیدگی اعمال انسان که شامل تقابل بین متغیرهای شناختی و رفتاری است موفق نبوده‌اند (کریمی، ۱۳۷۹).

در یک نگاه کلی به نظریات ارائه شده در زمینه عوامل تاثیرگذار بر انتخاب و جهت‌گیری و کارآفرینی سه دیدگاه مورد توجه قرار می‌گیرد که ۱. رویکرد مبتنی بر صفات شخصیتی؛ ۲. رویکرد مبتنی بر خصوصیات دموگرافیک؛ ۳. رویکرد مبتنی بر نگرش می‌باشد. که در اینجا موضوع بحث ما رویکردهای مبتنی بر نگرش می‌باشد. (موسوی، ۱۳۸۱)

دلیل استفاده از الگوی نگرشی نسبت به الگوهای مبتنی بر صفات شخصیتی و خصوصیات دموگرافیک، توانایی این مدل برای دخالت در حوزه‌های تخصصی همچون کارآفرینی می‌باشد.

در زمینه تاثیر نگرشها بر کارآفرینی تحقیقات زیادی انجام گرفته است. براساس تحقیقاتی که انجام گرفته است این نتایج بدست آمده است: نگرش‌ها بهترین پیش‌بینی‌کنندگان برای تمایلات کارآفرینانه می‌باشند. همچنین اعتقاد بر این است که نگرش‌های آموخته شده زمانی که بر اساس تعلیمات خانوادگی، محیط اجتماعی و کار ایجاد گردیده باشند. می‌توان با آموزش و یادگیری در آنها تغییراتی ایجاد نمود. بر این اساس میزان و نوع نگرش افراد نسبت به کارآفرینی می‌تواند سطح فعالیت در این زمینه را تحت تاثیر قرار دهد (آذربایجانی، ۱۳۸۲)

با در نظر گرفتن اینکه نگرش‌ها قابل آموزش می‌باشند می‌توان چنین استنباط کرد که با ارائه آموزشهای خاص کارآفرینانه می‌توان در نگرش افراد نسبت به کارآفرینی و به دنبال آن رفتار افراد تغییراتی ایجاد نمود (موسوی، ۱۳۸۱).

طبق تحقیقاتی که (دیرمول، ۲۰۰۲) به نقل از شمعی زاده، (۱۳۸۳) در زمینه رفتار کارآفرینانه و ارتباط آن با ادراکات افراد انجام داده بر این نقطه نظر تاکید دارد که ادراک فرد بر رفتار کارآفرینانه موثر است و به نظر می‌رسد با تغییر نگرشها

بتوان رفتار را تغییر داد که با مداخلات شناختی و مشاوره شغلی می توان این تغییرات را ایجاد کرد در عین حال در حیطه مشاوره شغلی (میشل و کرامبولتز، ۱۹۹۶ به نقل از عابدی، ۱۳۸۱) به این موضوع پرداخته اند و هدف مشاوره شغلی را یادگیری و نقش مشاوران شغلی را تسهیل گر این یادگیری بر شمرده اند. آنها معتقدند که لازم است مردم تواناییها و علایق خود را وسعت بخشیده و برای این تغییر وظایف شغلی آمادگی یابند. به عبارت دیگر آنها باید برای اقدام کردن، توانایی های لازم را کسب نمایند و مشاوران حرفه ای باید در رابطه بامسائل شغلی نقش اساسی را برای این منظور ایفا کنند. افراد لازم است نه تنها مهارتها و علایق کنونی خود را یاد بگیرند که باید آن دسته از مهارتها و علایقی که به آنها علاقمندند را در خود پرورش داده و یاد بگیرند در این نظریه فرض اساسی بر این است که اشخاص در انتخاب های شغلی با محیطشان تعامل دارند و این که چگونه افراد از این تعاملات می آموزند در این نظریه بر تاثیر گذاری و نقش مداخلات شناختی رفتاری توسط مشاور تاکید شده است.

از سوی دیگر با در نظر گرفتن مفهوم چند بعدی نگرش که شامل عناصر شناختی، رفتاری، عاطفی می باشد (۱) به نظر می رسد بتوان با توجه به تکنیکهای موجود در نظریه یادگیری اجتماعی وانتخاب شغل کرامبولتز به تاثیر گذاری بر نگرشها پرداخت.

در تحقیقی که توسط (تک ۱۹۷۱ به نقل از کنت و همکاران، ۱۹۸۲) در خصوص آموزش های خاص، در زمینه انگیزه پیشرفت و ارتباط آن با افزایش عملکرد کارآفرینی انجام گرفت، نشان داد که آموزش های انگیزه پیشرفت اگر در موقعیت های کاربردی و علمی باشد می تواند برافزایش عملکرد کارآفرینانه فرد تاثیر داشته باشد. جانزوانگلیش (۲۰۰۴) طی مطالعه ای در دانشگاه تاسمانیا دریافتند که با فرایند آموزش کارآفرینی و افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس افراد می توان افراد را با توانمندیهای خود برای بازشناسی فرصت های تجاری آشنا کرد ودانش و مهارت آنان را برای کارآفرینی افزایش داد.

طبق تحقیقاتی که دیرمول، ۲۰۰۲ (به نقل از شمعی زاده و همکاران، ۱۳۸۳) در زمینه رفتار کارآفرینانه و ارتباط آن با ادراکات افراد انجام داده بر این نقطه نظر تاکید دارند که ادراک فرد بر رفتار کارآفرینانه موثر است و به نظر می رسد با تغییر نگرشها بتوان رفتار را تغییر داد که با مداخلات شناختی و مشاوره شغلی می توان این تغییرات را ایجاد کرد.

در تحقیق انجام شده توسط مصحف، عابدی و بهرامی (۱۳۸۳) به بررسی نگرش کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه اصفهان و عوامل موثر بر آن پرداختند. در این تحقیق منظور از عوامل موثر بر نگرش کارآفرینی خصوصیات دموگرافیک بوده و نتایج تحقیق هیچ گونه ارتباطی بین خصوصیات دموگرافیک و نگرش کارآفرینی نشان نداد.

در تحقیقی کمالیان وفاضل (۱۳۹۰) به بررسی رابطه ی هوش هیجانی و میزان کارآفرینی دانشجویان (مطالعه ی موردی: دانشگاه سیستان و بلوچستان) پرداختند و با توجه به اینکه امروزه شواهد جدید این نکته را بیان می دارند که شخصیت و هوش هیجانی در منشا کارآفرینی نقش مهمی را ایفا می کنند. از این نظر این پژوهش با هدف بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و میزان کارآفرینی و هم چنین مقایسه ی هوش هیجانی از منظر میزان کارآفرینی در بین دانشجویان انجام شده و جامعه ی آماری تحقیق شامل تمام دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان بوده و تعداد ۲۸۴ نفر از دانشجویان، به عنوان نمونه ی آماری انتخاب شدند. سنجش هوش هیجانی براساس پنج بُعد الگوی هوش هیجانی گلمن، یعنی خودآگاهی، خود تنظیمی، خودانگیزشی، هم دلی و مهارت های اجتماعی انجام شده است. هم چنین برای سنجش میزان کارآفرینی دانشجویان، از پرسش نامه ی اسکاربوروف و زیمرر (۱۹۹۰) استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد که

بین هوش هیجانی و کارآفرینی رابطه‌ی همبستگی مثبت وجود دارد. هم چنین وضعیت هوش هیجانی بسته به میزان کارآفرینی دانشجویان متفاوت بوده و هرچه که دانشجویان از نظر کارآفرینی در وضعیت بهتری قرار داشته باشند، از هوش هیجانی بالاتری نیز برخوردار خواهند بود. لازم به یادآوری است این تفاوت به جز در بعد خودآگاهی در تمام ابعاد هوش هیجانی نمود دارد.

در تحقیق دیگر نیز پارسا معین و ناظم (۱۳۸۹) به بررسی ارتباط بین کارآفرینی و تعهد سازمانی با تحلیل رفتگی شغلی پرداختند که بر مبنای مفروضات پژوهش همبستگی با اجرای سه مقیاس اندازه‌گیری کارآفرینی (محقق ساخته)، تعهد سازمانی آلن و مایر و تحلیل رفتگی شغلی مسلسل بر روی نمونه منتخب که ۱۴۶ نفر از جامعه کارکنان غیر عضو هیئت علمی رسمی و قراردادی بخش اداری دانشگاه آزاد واحد رودهن در سال ۱۳۸۹ با روش تصادفی ساده اطلاعات لازم جمع‌آوری شد و نتایج نشان داد که به طور کلی بین کارآفرینی و تعهد سازمانی و تحلیل رفتگی شغلی همبستگی معناداری وجود دارد پژوهش حاضر با هدف آموزش کارآفرینی با استفاده از رویکرد شناختی - رفتاری کرومبولتز برای ایجاد تغییر نگرش و رفتار کارآفرینانه دانشجویان انجام شده است. لذا نتایج پژوهش حاضر می‌تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار سازمان‌ها و موسسات مرتبط و افراد جامعه قرار دهد.

فرضیات مطرح شده در این پژوهش عبارتند از:

- مشاوره شغلی به شیوه یادگیری اجتماعی (کرامبولتز) برافزایش نگرش کارآفرینی دانشجویان موثر است.

- مشاوره شغلی به شیوه یادگیری اجتماعی (کرامبولتز) برافزایش رفتار کارآفرینی دانشجویان موثر است.

### روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش به صورت نیمه آزمایشی و مداخله‌ای، پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه و کنترل در نظر گرفته شد. هر دو گروه آزمایش و گواه دو بار مورد اندازه‌گیری قرار گرفتند. اولین اندازه‌گیری با اجرای دو آزمون به عنوان پیش‌آزمون در ابتدا و دومین به وسیله دو آزمون به عنوان پس‌آزمون صورت گرفت گروهی که آموزش دریافت کردند، گروه آزمایش و گروهی که آموزشی دریافت نکردند، گروه کنترل نامیده می‌شود. گروه آزمایش، بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی کرومبولتز در طی سه جلسه چهار ساعته دوره آموزشی طراحی شده تحت آموزش قرار گرفتند مواردی مانند: آشنایی با اهداف جلسات، مفهوم، ضرورت و لزوم کارآفرینی، مهارت‌های انجام کار، توانایی‌های ذاتی و محیطی، شناخت خود، معرفی خلاقیت کارآفرینانه، عزت نفس عمومی، پذیرش خود و معرفی الگوی موفق، اسنادها و کنترل‌ها و در آخر انگیزه پیشرفت کارآفرینان مورد بررسی قرار گرفت.

**جامعه و نمونه:** جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در سال ۱۳۸۹ می‌باشد و حجم نمونه ۶۰ نفر از دانشجویان که بصورت تصادفی ساده از بین کلیه دانشجویان انتخاب شده، سپس به دو گروه ۳۰ نفری (گروه آزمایش و گروه کنترل) به صورت جایگزینی تصادفی قرار گرفتند.

### ابزارهای پژوهش

۱- **پرسشنامه نگرش کارآفرینی:** آزمون نگرش کارآفرینانه برای اولین بار در سال ۱۹۹۱ توسط رابینسون و همکاران تهیه شده بعد از تغییراتی ۵۵ سوال تبدیل شده و عابدی در سال ۱۳۸۳ که ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۹۴ بدست آورده است. محاسبه روایی همزمان و ضریب آلفای کرونباخ آن با پرسشنامه خود کارآمد کارآفرینی و نگرش کارآفرینی ۰/۶۲ بوده است (عابدی، ۱۳۸۳).

۲- **آزمون رفتار کار آفرینی:** آزمون رفتار کار آفرینی، شامل ۵۰ سوال می باشد. این سوالات توسط عابدی ومصحف در سال ۱۳۸۳ با ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۹ بدست آمده وروائی محتوائی آن مورد تائید قرار گرفته است.

### روش تجزیه و تحلیل داده

تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در سطح توصیفی با استفاده از مشخصه های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی متناسب با سطح سنجش داده ها از آزمون تی مستقل و آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده است. کلیه عملیات با استفاده از نرم افزار Spss انجام شد.

### یافته های پژوهش

دیاگرام کار در جدول شماره ۱ آمده است.

گروه ها	انتخاب تصادفی	پیش آزمون	متغیر مستقل	پس آزمون
گروه آزمایش	RE	TI	X	T <sub>۲</sub>
گروه گواه	RC	T <sub>۱</sub>	-	T <sub>۲</sub>

مطابق با جدول شماره ۱ دیاگرام طرح پژوهشی مشخص گردیده است. که در آن گروه آزمایش متغیر مستقل ( مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری کرومبولتز ) اعمال شد.

- در مورد گروه کنترل متغیر مستقل ( مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری کرومبولتز ) اعمال نشد.

- هر دو گروه دوبار مورد ارزیابی قرار گرفته اند یکبار بعنوان پیش آزمون و یکبار بعنوان پس آزمون بوده است.

متغیرهای پژوهش شامل یک متغیر مستقل ( مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی کرومبولتز ) و دو متغیر وابسته ( نگرش کار آفرینانه و رفتار کار آفرینانه ) است.

آماره	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
گروه گواه	30	۱	۳ / ۴۸	۰ / ۹
گروه آزمایش	30	۱۷ / ۶۷	۹ / ۲۴	۲ / ۳۸

مطابق با نتایج جدول شماره ۲ نمرات بین گروه گواه و آزمایش نگرش کار آفرینی در میانگین و انحراف استاندارد به طور قابل ملاحظه ای با هم اختلاف دارند.

### جدول شماره ۳- نتایج آزمون آماری

برای مقایسه میانگین ها				آزمون آماری
مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	تفاوت خطای استاندارد
۶ / ۵۳	۲۸	۰ / ۰۰۰	۱۶ / ۶۷	۲ / ۵۵

باتوجه به نتایج حاصل از تحلیل داده ها و مطابق با جدول شماره ۳ که نتایج آماری را مشخص می کند در سطح معنادار ۱ / ۰۰۰ تفاوت قابل ملاحظه ای مشاهده می شود و بنابراین مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی کرومبولتز بر تغییر نگرش افراد تاثیر گذاشته است.

جدول شماره ۴ آمار توصیفی تفاضل نمرات رفتار کارآفرینی دو گروه آزمایش و گواه

آماره	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
گروه گواه	30	۱/۷۳	۱/۰۳	۰/۲۷
گروه آزمایش	30	۷/۳۳	۵/۱۶	۱/۳۳

مطابق با نتایج جدول شماره ۴ نمرات بین گروه گواه و آزمایش رفتار کارآفرینی در میانگین و انحراف استاندارد به طور قابل ملاحظه ای با هم اختلاف دارند.

جدول شماره ۵ نتایج آزمون آماری

آزمون آماری	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	برای مقایسه میانگین‌ها
متغیر وابسته	۴/۱۲	۲۸	۰/۰۰۰۱	۵/۶	تفاوت خطای استاندارد
رفتار کارآفرینی	۴/۱۲	۲۸	۰/۰۰۰۱	۵/۶	۱/۳۶

باتوجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها و مطابق با جدول شماره ۵ که نتایج آماری را مشخص می‌کند در سطح معنادار ۱/۰۰۰ تفاوت قابل ملاحظه ای مشاهده می‌شود و می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی و انتخاب شغل کرامبولتز می‌تواند باعث افزایش رفتار کارآفرینانه دانشجویان گردد.

### بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان گفت که در ارتباط با مشاوره شغلی به سبک ارائه شده در تاثیرگذاری بر نگرش و رفتار کارآفرینانه و با توجه به نتایج بدست آمده در خصوص تایید هر دو فرضیه که با توجه به خلاصه شرح جلسات مشاوره شغلی و با توجه به تاکید این سبک بر ادراکات و شناخت افراد نسبت به خود در زمینه تواناییها، مهارتها، کنترل درونی، استعداد و... و با توجه به تاکید بر تواناییها و مهارتهای افراد در زمینه کارآفرینی خودگویی مثبت، توجه به کنترل درونی و... تاکید شده است و تغییر ادراکات و شناخت افراد باعث تغییر نگرش آنها می‌شود که به دنبال آن تمرینات خاص ایده پردازی، تقویت باورهای مثبت و توانمندیها در جهت ایجاد رفتار کارآفرینی موثر بوده است. بنابراین به نظر میرسد با توجه به مداخلات شناختی اجتماعی کرامبولتز می‌توان از آن برای مداخله در نگرش و رفتار کارآفرینی استفاده کرد و افراد را به سمت رفتارهای خاص از جمله کارآفرینی با استفاده از الگوبرداری و تقویت درونی و بیرونی و علی‌الخصوص ادراکات که همه از تکنیکهای یادگیری اجتماعی می‌باشد می‌توان برای هدایت افراد استفاده کرد و نتایج مثبتی از آن گرفت.

همانطور که در جدول ۳ و ۲ نشان داده شده است میانگین نمرات قبل و بعد از آموزش متفاوت شده و نگرش دانشجویان تغییر کرده است و مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی بر تغییر نگرش و افزایش رفتار کارآفرینی دانشجویان اثر گذار بوده است که نتایج بدست آمده با پژوهش‌های پیشین مانند (جکسون و رودکی ۱۹۹۴) شفر (۱۹۹۹) راشید (۲۰۰۰) رابینسون و همکاران (۱۹۹۱) به نقل از ویرهول و همکاران (۲۰۰۲) که هر کدام به نحوی در زمینه ارتباط آموزش و تاثیرات آن بر تغییر نگرشها، مطالعات و تحقیقاتی داشته اند که همگی با فرضیه‌های مطرح شده در پژوهش همسو بوده‌اند. در پژوهش دیگری بدری، لیاقتدار و همکاران (۱۳۸۵) به بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداختند این پژوهش به بررسی قابلیت‌های کارآفرینی (استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری و خلاقیت) دانشجویان دانشگاه اصفهان و تاثیر آموزشهای دانشگاهی در افزایش این قابلیت‌هاست. نمونه آماری مشتمل بر ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال ۸۴-۸۳ بود که از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی و از طریق نرم افزار SPSS انجام پذیرفت.

نتایج نشان داد که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین بود، اما نمرات ریسک پذیری از متوسط نمره معیار پایین تر بود. همچنین، آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی در دانشجویان موثر نبوده است.

همچنین صادقی و ملکی (۱۳۹۰) در پژوهشی دیگر به ارزیابی دانشجویان از محیط‌های کارآفرینانه و تبیین رابطه آن با قصد کارآفرینی پرداختند. در این پژوهش، پنج عامل محیطی کارآفرینی به ترتیب شامل سیاستها و رویه‌های دولتی، شرایط اجتماعی-اقتصادی، مهارت‌های کارآفرینی و کسب و کار، مساعدت مالی و مساعدت غیر مالی هستند. در این پژوهش، به منظور اندازه‌گیری قصد کارآفرینی و دیگر متغیرهای کنترل از پرسشنامه قصد کارآفرینی (EIQ) و از تحلیل‌های متقارن نیز برای تعیین معناداری ارتباط بین عوامل محیطی و قصد کارآفرینی استفاده شده است. در این پژوهش بین تمامی عوامل محیطی کارآفرینی و قصد کارآفرینی روابط معناداری وجود داشت. همچنین اهمیت مقایسه ای عوامل محیطی، به همراه تحلیل‌های متقارن فرعی بر اساس ویژگی‌های افراد نمونه محاسبه گردیده است. در تحقیق مصحف و عابدی به بررسی نقش مشاوره شغلی گروهی بر تغییر نگرش دانشجویان دانشگاه اصفهان نسبت به کارآفرینی پرداختند. نتایج نشان داد که آموزش و مشاوره شغلی تغییر معناداری در نگرش افراد نسبت به کارآفرینی ایجاد نموده است. به طور کلی نگرشها به عنوان بهترین وسیله توصیف گر برای اقدام به کارآفرینی بیان شده است. بسیاری از محققین بر این عقیده اند، داشتن نگرشهای خاص منجر به فعالیتهای بیشتر در زمینه کارآفرینی می گردد (سیمونز ۱۹۹۹). از سوی دیگر بسیاری از پژوهش‌ها بر آموزش کارآفرینی تاکید کرده اند. یکی از دیدگاههایی که به جنبه آموزشی کارآفرینی توجه نموده و معتقد است کارآفرینی قابل آموزش است.

مطابق با جدول ۵ و ۴ تفاوت قابل ملاحظه ای بین رفتار کارآفرینی قبل و بعد از آموزش و بین گروههای آزمایش و کنترل دیده می شود و این نشان دهنده آن است که این دوره ها موثر بوده است که این نتیجه با نتایج پژوهشهای دیگری نیز همسو بوده و در پژوهش‌های دیگر هم تائید شده است و در پژوهشی عابدی و شماعتی زاده با تحقیقی با عنوان بررسی تاثیر مشاوره شغلی بر خود کارآمدی کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان به این نتیجه رسید که مشاوره شغلی بر افزایش خود کارآمدی کارآفرینان موثر بوده است. (عابدی، ۱۳۸۳)

در تحقیقی که توسط استاد فیثا و گلورباوبه نقل از فیثه، (۱۹۶۸) انجام گرفت آنها به مطالعه و بررسی در خصوص انگیزه‌های اصلی و زیر بنایی برای عملکرد کارآفرینانه به منظور کسب موفقیت شغلی در محیط‌های تجاری خاص پرداختند و تحلیل داده‌های به دست آمده مشخص نمود که نیاز روانی به توفیق قدرت و انگیزه پیشرفت در بین کارآفرینان بالا بوده است. آنها هم چنین دریافتند که مردان با انگیزه پیشرفت بالا تمایل بیشتری به جذب مشاغل کارآفرینانه دارند. هم چنین افرادی که در این حرفه‌ها مشغول شده اند در مقایسه با مشاغل غیر کارآفرینانه انگیزه پیشرفت بالاتری را نشان داده اند.

در تحقیقی تک (به نقل از کنت) در خصوص آموزش‌های خاص، در زمینه انگیزه پیشرفت و ارتباط آن با افزایش عملکرد کارآفرینی مطالعه ای انجام داد. تک گزارش می دهد که آموزش‌های انگیزه پیشرفت اگر بدون قرارگیری فرد در موقعیت‌های کاربردی و علمی باشد می تواند تاثیر زیادی در افزایش عملکرد کارآفرینانه فرد داشته باشد. این تحقیقات و تحقیقات مشابه دیگری فرضیه‌های این پژوهش را تائید می کند. (بوید و وزگیر ۱۹۹۴) به نقل از ویرهول و همکاران (۲۰۰۲) بر اساس تحقیقاتی که انجام دادند متوجه شدند ایجاد نگرشهای مثبت نسبت به کارآفرینی در افراد

امکان پذیر است و این امر می‌تواند بر رفتار کارآفرینانه تاثیر گذار باشد. همانگونه که کرومبولتز (۱۹۸۷) به نقل از سوانسون و همکاران (۱۹۹۱) نیز از عوامل الگو به عنوان یک مداخله رفتاری موثر در جلسات مشاوره ای یاد کرده است. (مایو، ایس وبل ۱۹۹۴ به نقل از کریمی، ۱۳۷۹) معتقدند شنیدن دیدگاه دیگران می‌تواند عملاً "بر فرد تاثیر گذار باشد و باعث ایجاد نگرش های مثبت نسبت به موضوعی خاص در او گردد. لازم به یادآوری است که در خصوص مشاوره شغلی به سبک کرومبولتز در زمینه کارآفرینی تحقیق مصحف (۱۳۸۴) حاکی از آن است که نگرش ها با مداخله به این سبک بر تغییر نگرش و رفتار کارآفرینی تاثیر گذار است و با فرضیه مطرح شده در این پژوهش همسو می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع آموزش کارآفرینی و با توجه به آموزشی بودن نظریه یادگیری اجتماعی کرومبولتز اینگونه نتیجه گیری می‌شود که مشاوره شغلی به سبک کرومبولتز می‌تواند بر تغییر نگرشها و تقویت رفتارهای کارآفرینانه موثر باشد.

### پیشنهادات

- با توجه به اهمیت بحث نگرشها و تاثیر گذاری آن بر روی موضوعات مختلف از جمله کارآفرینی بهتر است از طریق مطالعه نگرشهای کارآفرینان موفق این موضوع مورد بررسی قرار گیرد.
- با توجه به ارتباط تنگاتنگ نگرش و رفتار کارآفرینی بهتر است همزمان با این دو مقوله به موضوعات مهم دیگر که ارتباط مستقیم با قصد و نگرش کارآفرینی از جمله خود کارآمدی، انگیزه پیشرفت و... کار شود.
- با توجه به اهمیت الگو برداری بهتر است با یک الگوی موفق، نحوه کار و موفقیت او از نزدیک ارتباط برقرار شود.

### منابع

- آذربایجانی، م.، و همکاران. (۱۳۸۲). *روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع انسانی*. تهران: انتشارات سمت.
- بدری، لیاقتدار، عابدی، جعفری. (۱۳۸۵). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۴۰.
- پارسا معین، ک.، و ناظم، ف. (۱۳۸۹). ارتباط کارآفرینی و تعهد سازمانی با تحلیل رفتگی شغلی. *فصلنامه تازه های روان شناسی صنعتی*، ۳.
- کریمی، ی. (۱۳۷۹). *نظریه ها مفاهیم و کاربردها*. ارسباران.
- عابدی، م.، ر. (۱۳۸۱). بررسی و مقایسه اثر بخشی روش های مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی: سازگاری شغلی و مدل شناختی - رفتاری شادمانی فوردایس در کاهش فرسودگی شغلی مشاوران آموزش و پرورش شهر اصفهان. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی. پایان نامه دکتر ای مشاوره.
- عابدی، م.، ر.، و بهرامی، ف. (۱۳۸۳). بررسی نگرش کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه اصفهان و عوامل موثر بر آن. *خلاصه مقالات و سخنرانیهای هفته پژوهش*.
- علوی، ا. (۱۳۸۲). کارآفرینی و رسالت دانشگاه. *مجله ریافت*، ۲۹.
- سعیدی کیا، م. (۱۳۸۲). *آشنایی با کارآفرینی*. تهران: سپاس.
- شماعی زاده، م.، و عابدی، م.، ر. (۱۳۸۳). مطالعه بررسی عوامل موثر بر خود کارآمدی کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه اصفهان. *مجله علمی و پژوهشی دانشگاه اصفهان*.
- کمالیان، ف. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ی هوش هیجانی و میزان کارآفرینی دانشجویان (مطالعه ی موردی: دانشگاه سیستان و بلوچستان). *مجله توسعه کارآفرینی*، ۱۱، ۱۲۷.
- موسوی، ر. (۱۳۸۱). *نظریه های مشاوره حرفه ای و کاربرد (یادگیری از طریق مطالعات موردی)*. تهران: انتشارات اصلح.
- محرابی، ا.، و تیرابی، م. (۱۳۸۰). *نگرش معاصر بر کارآفرینی*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.



مصحف، ه. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر تغییر نگرش و افزایش رفتار کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه اصفهان.  
فیض بخش، ع. (۱۳۸۳). درباره خلایقیت. تهران: باران.  
هزار جریبی، ج. (۱۳۸۹). کارآفرینی. پژوهشکده امور اقتصاد نشر بازرگانی.

- Ajzen, I. (1978). *Belief, attitudes, intention and behavior*. USA: Wisley Publishing Company, Inc.
- Fisa, G. (1968). *Transactional Analysis in Psychotherapy*. New York: Grove Press.
- Jones, C., & English, J. (2004). A Contemporary approach to entrepreneurship education. *Journal of Education Training*, 46(8).
- Kent, C. A., Sexton, D. L., & Vesper, K. H. (1982). *Encyclopedia of entrepreneurship*. USA: Englewood Cliffs.
- Michell, L. K., & Krumboltz, J. D. (1990). *Social Learning approach to career decision making: Krumboltz 's theory*. In D. Brown, L. Brooks, and Assoc, career choice and development. Sanfransisco: Jossey-Bass.
- Robinson, D., & Porporino, F. J. (1991). Do difference occupational group vary on attitudes & work adjustment in corrections? *Federal Probation*, 60(3).
- Simmons, C. (1999). *The entrepreneurial attitude*. Retrieved from:  
<http://www.Kcentrepreneur.com/anonymous.html>.
- Swanson, J. L., & Fouad, N. A. (1991). *Career theory and practice*. London: Sagepublication, Inc.
- Verheul, I., & Uhlaner, I., & Thurik, A. R. (2002). *What is an entreppeneur? Self-image, activities & gender*. International council for small business. Puertorico: 47<sup>th</sup> world conference San Juan.

